

خطر فرسایش ژئوپلیتیکی در مرزهای کشور



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

مهاجرت در سال های اخیر ابعاد گوناگونی پیدا کرده و فرصت ها و آسیب های زیادی را همراه خود داشته است. پاسپورت، پلیت و فرودگاه امام اولین مواردی است که پس از شنیدن کلمه مهاجرت و حتی خوانش جمله پیشین به ذهن عده زیادی از مخاطبان می آید. حجم بالای مهاجرت های خارجی در حال وقوع، مقوله مهمی است اما این امر نباید مانع از توجه به ابعاد دیگر آن شود. مهاجرت داخلی یکی از همان ابعادی است که در سایه گردوخاک مهاجرت خارجی گم شده است. موضوعی که اهمیتش از مهاجرت خارجی کمتر نیست و نقش قابل توجهی در تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ایفا می کند. گفته می شود که در دهه اخیر سالانه حدود یک میلیون نفر در کشور جابه جا شده اند. این جابه جایی ها صرفاً محدود به افراد نیست، بلکه بار سنگینی از سبک زندگی آنها و آثاری که از خود در مبدأ بر جای می گذارند را نیز شامل می شود. این اتفاق اگر با بی توجهی و سوء مدیریت مواجه شود، تبعات نامطلوبی را به همراه خواهد داشت. در ادامه با استناد بر آمار رصدخانه ملی مهاجرت ایران، مرکز پژوهش های مجلس و گفت وگوهای صورت گرفته با اساتید مرتبط به این حوزه، ابعاد مختلف مهاجرت داخلی را بررسی کرده ایم.

چرا مردم جابه جایی می شوند؟

علاوه بر محدودیت ها و تحریم های متعددی که همواره بر ایران اعمال می شود، بلایای طبیعی نیز سایه سنگینی بر کشور انداخته. ۸۲ درصد از مساحت کشور را مناطق خشک و نیمه خشک تشکیل می دهد و میانگین بارش کشور در حدود ۲۵۰ میلیمتر است که این میزان کمتر از یک سوم میانگین بارش جهانی است. با این وجود اما سیل همیشه به عنوان یکی از مخاطراتی است که زیست مردم را تهدید می کند. رانش زمین، آتش سوزی، طوفان و افزایش دما از دیگر موارد تهدیدکننده در کشور است. تغییرات اقلیمی هم به عنوان یکی از عوامل اصلی این رخدادها به شمار می آید. مثلاً تا همین چند روز قبل گرمای نسبی هوا در اوج زمستان مردم را سردرگم کرده بود و حالا ورود موج سرمای جدید به کشور و سفیدپوش شدن مناطق مختلف شرایط جوی را به حالت عادی برگرداند. به طوری که این تغییرات در ایران و کمبود بارش های ناشی از آن منجر به کاهش منابع آبی و خشکسالی شده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۸ سطح بارش ها با افت ۲۵ درصدی مواجه شد که این امر منجر به وقوع کم آبی حتی در مناطق پرآب شمالی و شمال غربی کشور گردید. به علاوه در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور اثرات بیابان زایی را احساس می کنند. پیش بینی می شود این پدیده در سال های آتی، سالانه حدود ۱۲ میلیون هکتار از اراضی کشور را دربرگیرد. همین امر باعث می شود که ساکنان نواحی مرزی به فکر تغییر محل زندگی از حاشیه به مرکز بیفتند. بلایای ناشی از تغییرات اقلیمی، رویدادهای تکی نیستند، بلکه به شدت با هم مرتبط هستند و مانند دومینو عمل می کنند. به عنوان مثال، خشکسالی و موج گرما با هم اتفاق می افتد. خشکسالی منجر به خشکی خاک می شود و در نتیجه انرژی خورشیدی حاصل از تخریب منجر به افزایش گرمایش سطح و افزایش تبخیر می شود. خشکسالی و موج گرما خطر آتش سوزی را افزایش می دهد. علاوه بر این، طوفان های شن، و درگیری های آبی از دیگر پیامدهای خشکسالی هستند.

انسان گریزی استان های پرخطر از منظر بلایای طبیعی

فراوانی رخداد بلایای طبیعی در استان های ایران از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۲۰ نشان می دهد که استان های اصفهان، کرمان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و گیلان به ترتیب متحمل بیشترین بلایای طبیعی بوده اند. جالب اینجاست که دو رخداد آزاردهنده اصفهان و سیستان و بلوچستان، از یک طرف خشکسالی و از طرف دیگر سیل است! همچنین تقریباً در بیشتر استان های کشور این سیل است که فراوانی بیشتری نسبت به دیگر بلایای طبیعی دارد. بررسی های مرکز آمار ایران حاکی از آن است که جابه جایی جمعیت طی دهه اخیر در کشور، تا حدود زیادی با نقشه خشکسالی تطابق دارد. همچنین به نظر می آید که شهرهای مهاجرپذیر نیز تنش آبی کمتری نسبت به شهرهای مهاجرفرست دارند. الگوی مهاجرت و جابه جایی های داخلی در کشور در طی سالان گذشته، همواره به صورت مهاجرت روستایی - شهری خود را نمایان کرده است که عمده ترین و بازرترین دلیل آن را می توان در مسائل اقتصادی و معیشتی ساکنین شهرها و روستاها دانست.

گزارش مرکز پژوهش های مجلس؛ مهاجرت بین استانی در حال افزایش است

مرکز پژوهش های مجلس نیز در اواخر خرداد ماه سال جاری گزارشی را تحت عنوان «روند پژوهی مهاجرت داخلی در ایران طی سی سال اخیر (۱۳۹۵-۱۳۶۵)» منتشر کرد که در ادامه به گزاره های مهم آن اشاره شده است. - به طور متوسط سالانه یک میلیون نفر در داخل کشور در دهه های اخیر مهاجرت کرده اند. با این حال در سال های اخیر از شدت مهاجرت کاسته شده است.

- افزایش مهاجرت ها و جابه جایی های جمعیتی به ویژه از مناطق مرزی کشور به سمت مرکز و سکونت آنها در پیرامون شهرهای بزرگ به ویژه پایتخت، یکی از مسائل و چالش های اجتماعی، جمعیتی و امنیتی حال حاضر کشور است. - مهاجرت های شهری به ویژه شهر به شهر شکل غالب مهاجرت در کشور بوده است.

- در بعد تقسیمات سیاسی کشور، مهاجرت های درون استانی همیشه بالاترین نسبت مهاجرت را داشته اند اما در سال های اخیر به صورت چشمگیری بر نسبت مهاجران بین استانی افزوده شده و این مساله نشان دهنده کاهش اهمیت فاصله در مهاجرت کشور است.

- متعاقب انتقال جمعیتی و تغییرات مهم در ساختار سنی جمعیت، نسبت بالایی از جمعیت کشور در سنین کار و فعالیت اقتصادی هستند، جمعیتی که در جست وجوی فرصت های تحصیلی و شغلی به شهرها و مناطق دیگر تغییر مکان می دهند. از این رو مهاجرت بعد ذاتی این تغییر ساختاری جمعیت شناختی است.

- مهاجرت عمدتاً در سنین ۳۴ تا ۳۴ سالگی رخ می دهد و با افزایش سن از شدت مهاجرت کاسته می شود.

- باتوجه به غلبه گروه های سنی جوان در مهاجرت باید توجه داشت که جمعیت گروه های سنی ۱۵ تا ۳۴ سال افراد فعال اقتصادی هستند که به صورت بالقوه در آستانه تشکیل خانواده و ازدواج و باروری هستند. لذا مهاجرت این افراد می تواند علاوه بر تأثیر مستقیم بر حجم جمعیت هریک



از دو منطقه، با تحت تأثیر قرار دادن الگوی سنی و در نتیجه میزان ازدواج و باروری، جمعیت آبی را نیز متأثر سازد.

- نسبت جنسی مهاجران بالاتر از جامعه مبدأ و مقصد است و این نشان دهنده غالب بودن مهاجران مرد است. با وجود این در سال های اخیر بر تعداد و نسبت مهاجران زن نیز اضافه شده است، به طوری که در مطالعات بسیاری، از عبارت زنانه شدن مهاجرت استفاده می شود.

- مهاجرت مردان به ویژه مردان جوان ضمن کاهش نیروی کار در مبدأ، تراکمی از نیروی کار در مقصد را ایجاد کرده و می کند که حاصل آن افزایش نرخ بیکاری در مقصد، گسترش مشاغل غیررسمی و مسائلی از این دست است. - از سویی با مهاجرت افراد جوان، روند سالمندی و نیز مضیقۀ ازدواج برای دختران (باتوجه به برتری کمی مردان در مهاجرت) در مبدأ افزایش پیدا می کند.

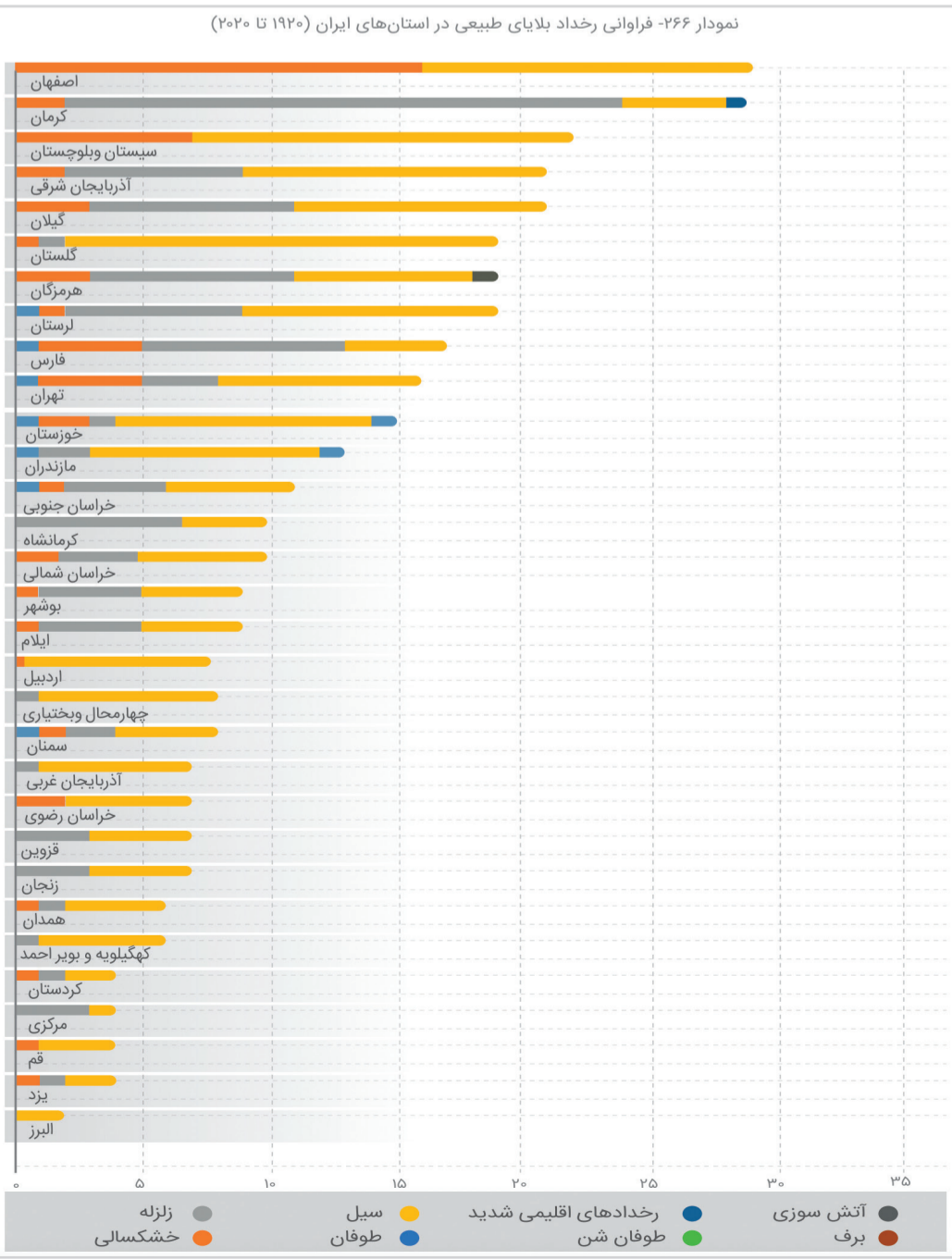
- مهاجرت در همه مناطق کشور به یکسان رخ نداده است. مهاجرت های داخلی از سمت مناطق کمتر توسعه یافته به سمت توسعه یافته در جریان است. استان های دارای سطح توسعه بالاتر، مهاجرپذیرتر و بالعکس استان های درحال توسعه، تراز مهاجرتی منفی دارند.

- استان های کرمانشاه، خوزستان و ایلام همواره دارای نرخ مهاجرت منفی بالایی هستند، درحالی که استان های تهران، البرز، اصفهان و یزد غالباً بالاترین تراز مهاجرتی مثبت را داشته اند.

- توجه به برنامه ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین و زیست بوم، کاهش نابرابری های منطقه ای، اعمال برنامه های مناسب اشتغالزایی در مناطق مهاجرفرست، راهکارهای حمایتی برای تأمین امنیت اقتصادی، اجتماعی و رفاهی افراد آسیب پذیر در مناطق روستایی و شهری از راهکارهای سیاستی پیشنهادی جهت ایجاد تعادل جمعیتی در کشور است.

مهاجران داخلی بیکاره از روستا به تهران می آیند

رسول صادقی، دانشیار جمعیت شناسی دانشگاه تهران و نایب رئیس انجمن جمعیت شناسی ایران در گفت وگو با «فرهیختگان» معتقد است که بحث مهاجرت به خصوص مهاجرت داخلی یک فرآیند پویا و پرخاسته از شرایط متغیر اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است و می تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی - امنیتی هم داشته باشد. او ادامه داد: «در یکی دو دهه اخیر تقریباً سالی یک میلیون نفر در کشور به عنوان مهاجر داخلی جابه جا شده اند. زمانی که جریان مهاجرت فرستی را دنبال می کنیم متوجه



مبادی مهاجرتی بیشتر شود و این می تواند باروری و فرزندآوری را به دلیل افزایش تجرد دچار مشکل کند. وقتی تجرد افزایش پیدا می کند بخشی از جمعیت از فرآیند فرزندآوری خارج می شود. همچنین وقتی شما تمرکز بالای جمعیتی در مرکز به دلیل مهاجرت داشته باشید، بیش جمعیتی مرکز، خود می تواند نگرش های کم فرزندآوری را در افراد تقویت کند و این با آن چیزی که سیاست های حمایت خانواده و جوانی جمعیت دنبالش است، می تواند در تناقض و تعارض باشد. حاشیه غربی تهران یعنی اسلامشهر، رباط کریم، شهر قدس، و پردیس و پاکدشت در سمت شرق تهران به شدت به دلیل جریانات مهاجرتی در حال گسترش هستند و این بزرگ شدن لجام گسیخته حاشیه می تواند مسائل و چالش های متعددی در پایتخت به همراه داشته باشد؛ چالش هایی در حوزه های اجتماعی و حتی سیاسی - امنیتی.»

رقابت غرب و شرق برای مهاجرفرستی

صادقی با تأکید بر اینکه مناطق شمال غربی ما که شامل استان های آذربایجان شرقی و اردبیل و تا حدودی آذربایجان غربی می شود، درگذشته مهاجرفرستی بالایی داشتند، گفت: «در سال های اخیر مهاجرفرستی این مناطق مقداری کم شده و استان های غرب کشور مثل لرستان، کرمانشاه، ایلام، همدان، کردستان و خوزستان بیشترین مهاجرفرستی را دارند. بخش قابل توجه جریان مهاجرفرستی استان های غرب کشور به دلیل مسائلی مانند بیکاری است. در این مناطق به دلیل ساختار جمعیت جوان شان به دنبال فرصت های شغلی هستند و به دلیل محدودیت های موجود در این زمینه مهاجرفرستی افزایش می یابد. در مورد استان های خوزستان و ایلام، استثنایی وجود دارد که بخشی از آن به دلیل مساله ریزگردها است. مهاجرت های اکولوژیکی در ایران رو به افزایش است و در جنوب شرقی هم این موضوع صدق می کند. یعنی نقش مهاجرت های اکولوژیکی در حال پررنگ شدن است. استان سیستان و بلوچستان جزء استان های مهاجرفرست است اما این موضوع به ویژه مساله قحطابه می تواند مهاجرفرستی در این استان را تشدید کند. بنابراین علاوه بر بحث های اقتصادی، چالش های حوزه محیط زیست است که می تواند مهاجرت را رقم بزند. یک بخش دیگر هم شبکه اجتماعی است. وقتی در یک منطقه مهاجرت رخ می دهد مثل حلقه های زنجیر دنبال هم مهاجرت رخ می دهد و آن تسریع و تشدید می شود. بنابراین شبکه اجتماعی می تواند مهاجرت های بیشتری را به دنبال خود داشته باشد و این هم در بحث مهاجرت های داخلی نقش پررنگی ایفا می کند.»

نابرابری منطقه ای؛ مهم ترین عامل مهاجرت

نایب رئیس انجمن جمعیت شناسی ایران در ادامه به بررسی مهم ترین عامل رشد سریع مهاجرت پرداخت. وی تشریح کرد: «تا زمانی که بحث مهاجرت های داخلی به عنوان یک فرآیند و در سطح معقولی در راستای توازن و تعادل های منطقه ای است. مساله ای نیست. اما وقتی که از حدی فراتر می رود و این روند حالت صعودی به خود می گیرد، می تواند پیامدها و چالش هایی را هم در مبدأ و هم در مقصد به همراه داشته باشد و آن موقع به عنوان مساله و چالش مطرح می شود. در ایران مهم ترین عامل جریان مهاجرت های داخلی بحث نابرابری منطقه ای است. بحث نابرابری های منطقه ای در ایران به خصوص در دسترسی به فرصت های شغلی و اقتصادی خیلی زیاد است و این خودش جریان مهاجرتی در کشور را رقم می زند. در حال حاضر بحث نابرابری های فضایی و منطقه ای و همچنین عدم آمایش سرزمین بیشترین نقش را ایفا می کند. آمایش سرزمینی و آمایش جمعیتی و امکاناتی در کشور نداریم. همین موضوع باعث می شود که جریانات مهاجرتی رقم خورده و حتی تشدید شود.»

ناپایداری جمعیتی در مرز؛ تحمیل ناامنی به حکومت

کیومرث یزدان پناه درو، استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران در گفت وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «ایران کشوری است که به دلیل تنوع گسترده مرزی با ۱۵ کشور همسایه و مجاورت با مرزهای طولانی دریایی، بیشترین مخاطرات امنیتی را در طول مرزهای طولانی خود تجربه می کند. از بیش از ۹ هزار کیلومتر مرز بالغ بر ۶ هزار کیلومتر آن مرزهای خشکی هستند. عوامل متعدد انسانی و جغرافیایی وجود دارد که کشور ما را از جهات مختلف، به ویژه بعد امنیتی تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو درپیش گرفتن روش های راهبردی و کارساز آمایشی به ویژه آمایش جمعیتی، می تواند تضمین ثبات مرزی در ابعاد مختلف را برای کشور ما در پی داشته باشد. خواص فیزیکی نواحی مرزی (اکثر مرزهای کشور) بسترساز استقرار جمعیت پایدار بوده و توان تعادل زیست مناسب را در اختیار نظام حکمرانی کشور قرار می دهد. درست عکس این ماجرا نیز وجود دارد، یعنی ناترازی و ناپایداری جمعیتی در طول نواحی مرزی کشور که ناتوانی کنترل و تحمیل ناامنی را برای حکومت مرکزی به ارمغان می آورد. امروزه خیل عظیم جابه جایی های جمعیتی و به عبارتی تخلیه توان انسانی مرزهای کشور به دلیل مهاجرت های گسترده، بزرگ ترین نگرانی های ملی را به وجود آورده و شواهد جاری نشان از آینده ای نگران کننده در طول مرزهای ایران دارد. مهاجرت که پدیده ای ناشی از تغییرات ترکیبی سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و جبر جغرافیایی است علاوه بر مبدأ حرکتی که عمدتاً روستاها هستند، مقصد یا مقاصد یعنی شهرها و کلان شهرها را نیز تحت تأثیر مستقیم خود قرار می دهد. به دلایل تغییرات اجتماعی بسیاری به ویژه در چند دهه اخیر، میزان و شدت آن در کشور افزایش یافته است. از آنجایی که مهاجرت معمولاً در واکنش به شرایط اجتماعی و اقتصادی در جامعه رخ می دهد هرگونه سیاستگذاری و ایجاد تغییر در مناطق مبدأ و مقصد، منجر به تغییرات چشمگیری در زمینه مهاجرت می شود.»

الگوی فعلی مهاجرت فراتر از یک مساله معمولی است

یزدان پناه درو در تشریح وضعیت کنونی جابه جایی های داخلی گفت: «ایران امروزی به دلیل سرعت جابه جایی جمعیت در نواحی مرزی به ویژه در سه منطقه بزرگ شرقی، شمال شرقی و برخی نواحی غربی، در حال تجربه تلخ فرسایش ژئوپلیتیکی مرزی است که عدم برنامه ریزی به موقع، آثاری به دنبال خواهد داشت که هرگز قابلیت جایگزینی نخواهد داشت. در نتیجه، باتوجه به الگوی کنونی مهاجرت سریع در کشور که عمده مناطق انسان گریز و مهاجرفرست آن را استان های مرزی کشور تشکیل می دهند و شدت و روند آن نیز کم از کنترل خارج شده است، می توان آن را فراتر از یک مساله معمولی، بلکه یک مشکل ژئوپلیتیکی و ساختارمند به ویژه از منظر اجتماعی مطرح کرد و در پی چاره جویی برای آن بود. عدم چاره جویی برای تثبیت جمعیت در نواحی مرزی همانند رها کردن دریاچه ارومیه به حال خود است که ممکن است شرایط تلخ و غیرقابل جبران را برای امنیت ملی و سرزشت کشور رقم بزنند. به قول معروف، برای برخی مسائل حیاتی زمان بسیار تنگ است و ممکن است خیلی زود دیر شود.»

